

کاخ پذیرانی کوروش بزرگ در پاسارگاد

علی سامی

اندازه کل این کاخ و ایوانها و اطاقهای اطرافش حدود ۲۴۶۴ مترمربع (۵۶×۴۴ متر)، و مشتمل بوده بر یک تالار مرکزی و چهار ایوان مسقف در چهار طرف، و دو اطاق در طرفین ایوان جنوبی:

۱- تالار مرکزی: اندازه درون تالار پذیرانی ۷۱۶ مترمربع (۲۲/۱۴ × ۳۲/۳۵ متر) و از دو ردیف ستون که هر ردیف چهار ستون داشته و جمعاً هشت عدد میشود، و چهار در ورودی و خروجی در چهار طرف، تشکیل می یافته است. کف تالار از دو طبقه سنگ سفید مرمر نما مفروش بوده که سنگهای طبقه اول برای استحکام و زیرسازی بکار برده شده و سپس سنگ فرش ردیف دوم را بروی آن قرار داده اند. سنگ فرش دومی که فرش کف تالار را تشکیل میدهد، بسیار ظریف و زیبا و صاف میباشد، که با مهارت و دقت کم نظیری درزگیری شده است. ضخامت سنگ فرش چهل سانتیمتر و کوچکترین قطعات آن کمتر از یک متر نیست، ولی بزرگترین آنها از سه متر متجاوز میباشد. یک چهارم از این سنگ فرش عالی پیش باقی نمانده و سه چهارم دیگر را در سده های پیش و مخصوصاً هنگامی که مسجد اتابکان در دور آرامگاه کوروش بزرگ و کاروانسرای در همان حوالی، زمان شاه شجاع مظفری ساخته شده، از این کاخ و کاخهای دیگر برداشته و در آن دو ساختمان مصرف کرده اند و مقداری هم برای سنگ قبر و ساختمان خانه های روستائی بکاررفته است.

دور تالار تا ارتفاع هشتاد سانتیمتر با دو ردیف سنگ سفید صیقلی شده که بلندی ردیف اول ۴۴ سانتیمتر و دومی ۳۶ سانتیمتر است ازاره بندی شده، و سنگ بالائی دو سانتیمتر از سنگ زیرین عقب تر قرار گرفته است. روی این سنگ کاری دیوارهای آجری و خشتی و طاقچه ها شروع میشده است. ازاره سنگی بقدر قطر دیوار یعنی ۱/۶۰ متر کلفتی داشته و از طرف بیرون هم ازاره ایوانها را تشکیل میداده است. در دیوار شرقی طول یک سنگ بالغ بر ۵/۷۵ متر و در دیوار جنوبی

پاسارگاد یا پارس گده کهنترین پایتخت شاهنشاهی ایران، دارای نقشهای برجسته و بقایای کاخهای کم نظیری است، که روزگاری بهنگام آبادی، یکی از باشکوه ترین دربارهای سلطنتی جهان بوده است و اینک نیز پس از بیست و پنج قرن فراموشی و بی مهری، آنچه مانده است چون خورشید تابناکی در آسمان آثار باستانی دنیای کهن می درخشد و از لحاظ ظرافت و زیبایی و معماری و هنر اصیل ایرانی در میان آثار قبل و بعد خود برجستگی ویژه و شکفت انگیزی دارد و با آنکه بشر امروز عالیترین و سریعترین مراحل تمدن را پیموده و می بیند، باز از عظمت و شکوه کمال و هنر این کاخها و آرامگاه کوروش بزرگ در شکفتی میباشد و با نظر تحسین و سپاس بدانها می نگرد.

این همان معماری و هنر ممتاز ایرانی است که در آغاز بنیاد شاهنشاهی، در تخت جمشید به شیوه کاملتری نمایان گردیده و سهم خود در نظر یازمهای از باستان شناسان و پژوهندگان در بسیاری موارد بر هنرهای بکاررفته در تخت جمشید برتری دارد.

در بین سه کاخ و چند بنای دیگر که آثارشان باقی مانده کاخ بار کوروش که اینک مورد بحث قرار میگیرد بزرگترین و باشکوه تر، و دارای نقشهای برجسته متنوع و منحصر بفردی بوده که به مهمترینش اشاره خواهد شد.

کاخ بار کوروش بزرگ

در شصت متری شمال شرقی آرامگاه، کاخ پذیرانی پاسارگاد قرار گرفته است. از این کاخ یک ستون و چند پایه ستون و سنگهای پایه درگاهها و چند جرز سنگی بیش باقی نمانده، و همین مقدار هم که بجا مانده نمودار حد اعلای معماری و حجاری میباشد. و مینمایاند که این کاخ هنگام آبادانی تاجه حد زیبا و باشکوه ساختمان و تزئین گردیده بود.



آرامگاه کورش بزرگ در پاسارگاد

پایه‌های ستون مانند زیرستونهای کاخ بار داریوش بزرگ در تخت جمشید چهار گوش و از سنگ سیاه صیقلی شده ساخته گردیده و از دو قسمت تشکیل یافته است: قسمتی که در سنگ کعبه تالار فرورفته، $1/36$ متر درازای اضلاع آنست و 86 سانتیمتر ضخامت دارد که 40 سانتیمتر آن در سنگ فرش فرو رفته و 46 سانتیمتر آن بیرون است. قسمت دوم $9/5$ سانتیمتر از قسمت اول عقب‌تر و 117 سانتیمتر اندازه اضلاعش میباشد با 36 سانتیمتر ارتفاع. اندازه این دو ارتفاع رو به فرته 82 سانتیمتر و با ارتفاع سنگهای ازاره دور تالار با دو سانتیمتر اختلاف که شیب معمولی اطاق بوده است، برابر میباشد. تکه‌های شکسته یک سرستون که در همین کاخ در خلال

یک سنگ بکاررفته که 8 متر درازا دارد. سایر قطعات از یک مترو نیم تا سه متر میباشد.

ستونهای تالار بار صاف و از سنگ سفید مرمر نما ولی زیرستونها و سرستون از سنگ سیاه بوده است. یکی از ستونها برپا مانده و شکسته‌های بقیه مقداری در همان کاخ افتاده و قسمت اعظمش را برای ایوانهای مسجد دور آرامگاه برداشته‌اند. محیط ستون در قسمت تحتانی $3/35$ متر و بنابراین قطر آن از یک متر کمی بیشتر میباشد (نصف قطر ستونهای کاخ آپادانای تخت جمشید). بلندی ستونی که فعلاً برپا مانده $12/30$ متر و با زیرستون $13/24$ متر میشود. شال زیر قلمه ستون 25 سانتیمتر کلفتی دارد. ستونهای کاخ بار پاسارگاد صاف و بدون شیار میباشد و این خود یک دلیل روشن است که حجاری و معماری پاسارگاد زائیده اندیشه و سلیقه خود هنرمندان و استادان ایرانی بوده و از تأثیر صنایع سایر اقوام برکنار میباشد.

۱ - قطعات این ستونها در بهار وزمستان امسال (۱۳۵۰) توسط مأموران و کارشناسان وزارت فرهنگ و هنر از دور آرامگاه برداشته شد و بجایای خود منتقل گردید.



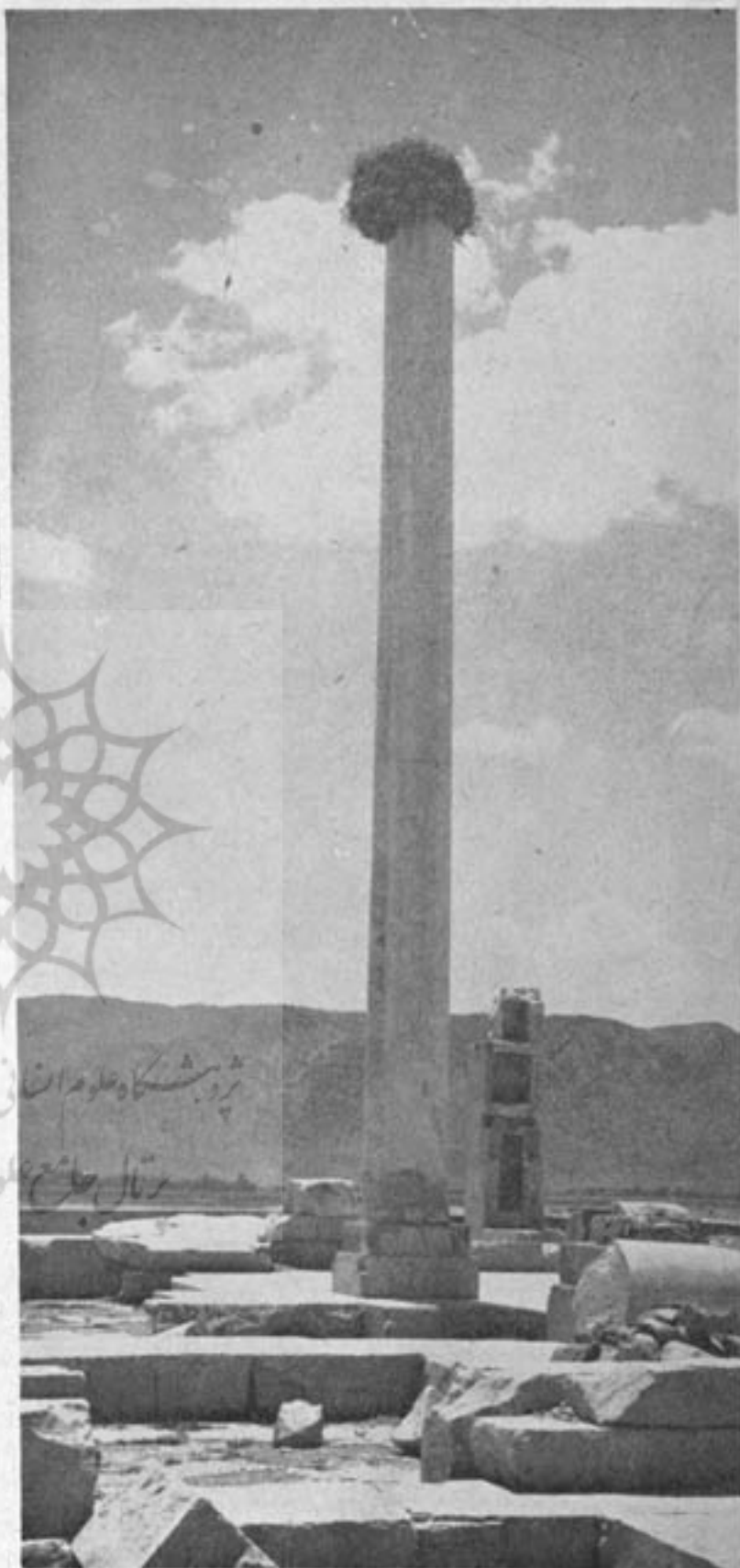
بالا: قسمتی از نقش برجسته آ آ بردرگاه شرقی کاخ بارکورش بزرگ (باسارگاد)

راست: یکی از ستونهای تالار پذیرایی کاخ کورش بزرگ (باسارگاد)

کاوش‌ها بدست‌آمده و سرهم زده شده، ترکیبی از سرستونها را بدست میدهد، که همانند سرستونهای کاخ آپادانای تخت جمشید و با دوسر گاو یا دوسر شیر بوده‌است.

در گاههای چهار در ورودی و خروجی تالار راستگهای سیاه صیقلی شده، که روی آنها نقشهای متنوعی حجاری شده تشکیل میدادم، که مقدار کمی از آن نقشها باقی مانده است. دوجرز طرفین درگاه شرقی دارای نقشی شبیه به آ آ (خدای آب و دریای بابلیهای قدیم) میباشد. تنه و سر و پایش بشکل انسان ولی یک ماهی از سر تا پایی او کشیده شده است و مظهر دیگری که سم و پایش مانند گاو میباشد در پشت سر او نقش شده‌است. این نقش با این طرح منحصر بفرد، و در هیچیک از آثار دوران هخامنشی دیده نشده‌است و در سهم خود درخور کمال اهمیت میباشد.

راجع بداستان «آ آ» «آ آ» «آ آ» «برسوس» کاهن بابلی که چند سال پس از مرگ اسکندر داستانهای قدیمی را جمع‌آوری کرده مینویسد: که مردمان بابل در قدیم ایام از تمدن بی بهره بودند. مخلوق عجیبی که نصف بدنش انسان و نصف دیگرش ماهی بوده بنام «آانس» از دریا بیرون آمد و نوشتن خط و آداب زندگانی و زراعت و علوم را بر مردم بابل



آموخت. این آفریده عجیب (رب النوع زندگانی) شبها در آب
سرمیبرد، و روزها در خشکی، و نوشته اند که او و اخلافش
۶۹۱۳۰۰ سال مردم را ارشاد کردند و بعد از آن طوفان بزرگ
آن سلسله را از بین برد!
ویل دورانت مورخ عالمقام معاصر درباره «ا آس»
می نویسد:

«بطور کلی در این افسانه‌ها چنان نیست که آدمی در آغاز
پیدایش دریاغ و بهشتی زندگی میکرد، بلکه انسان
بصورت موجودی بوده که با نادانی و سادگی جانوران میزیسته،
تا آنگاه که جانور سهمناکی بنام «ا آس» که نیمی ماهی
و نیمی فیلسوف بوده، بروی ظاهر شد و دانشها و هنر شهرسازی
و اصول و مبادی حقوق و قانون را بوی آموخت. پس از آن
ا آس بدریا فرورفت و بکار نوشتن تاریخ مدنیت اشتغال
ورزید. ولی ناگهان خدایان از انسانهایی که آفریده بودند
ناخشنود شدند و طوفان بزرگی بر ایشان فرستادند تا انسان
و آثار وی را بیکباره نیست کند. ا آس خدای حکمت را
بر انسانیت رحمت آمد و بر خود گرفت که لااقل انسانی بنام
«شمش نیشتم»^۶ و همسر او را از هلاک شدن رهائی بخشد. . . .
این رب النوع پیش از بابلیها مورد پرستش اقوام دیگر
هم بوده و آنان علاوه بر اینکه در شهرهای رب النوع مخصوصی
داشتند سه رب النوع از سایر خدایان برتر و مورد پرستش
بوده: یکی «آنو»^۷ (خدای آسمان)، دومی «ا آ» (خدای
دریا و آب) و سومی «بل»^۸ (خدای زمین). سایر الهها:
سین، نانا، ایشار، و شمش بوده است. در لوحه سنگی
حمورابی «ا آ» رهبری پزشکان را نیز عهده دار بوده،
و دو خدای دیگر «نینورتا»^۹ و زنش «گولا»^{۱۰} در اینکار
نظارت میکردند»^{۱۱}.

دو در شمالی و جنوبی نیز بتقوسی مزین بوده که در
درگاه جنوبی قسمتی از نقش پاهای انسان و حیوانی دیده میشود.
پهنای درگاهها ۲/۰۸ متر و کف آنها از سنگهای سیاه
صیقلی مفروش گردیده است. درهم آمیختن سنگهای سفید
ازاردها و ستونها، با زیرستونها و درگاههای سنگ سیاه معرّفی



درگاههای سنگی ایوانهای کاخ بارگورش بزرگ (پاسارگاد)

جزئی سنگی ایوان شرقی کاخ بارگورش بزرگ با چهار سطر خط میخی
دوسطر بالا پارسی باستان (من گورش هخامنشی)



- EA — ۲
- Orannes — ۳
- Berosus حدود ۲۸۰ ق. م. — ۴
- صفحه ۳۵۷ مشرق زمین یا گهواره تمدن. — ۵
- Shammash - Napishtim — ۶
- Anou — ۷
- Bel — ۸
- Ninourta — ۹
- Goula — ۱۰

۱۱- تاریخ کشورهای آسیای غربی تألیف آقای دکتر احمد
بهمنش صفحه ۱۰۹ نشریه شماره ۲۳۹ دانشگاه تهران سال ۱۳۳۳.



نقش انسان بالدار بردگاه یکی از کاخهای دیگر (پاسارگاد)



قسمتی از نقش آ آ بردگاه شرقی کاخ بارکورش بزرگ (پاسارگاد)

سنگی یکپارچه انتهای ایوان فقط دوتای آن باقی مانده که بر یکی از آنها چهارسطر خط میخی (که دوسطر بالا میخی پارسی و دوسطر پائین میخی عیلامی و بابلی) بمضمون ساده «من کوروش هخامنشی» نقر گردیده است. از روی بلندی سنگ جرز و جای پوشش سقف ایوان که بالای این جرز در آورده شده، بخوبی میتوان فهمید که سقف ایوان با سقف تالار مرکزی در یک سطح نبوده، بلکه پائین تر و بیش از ۵/۱۰ متر بلندی نداشته است که با کلفتی پوشش و حمال سقف و شفته و گل پشت بام، روی هم رفته شش متر بلندی ایوانها بوده است و این ارتفاع کمی بیشتر از یک سوم ارتفاع تالار مرکزی است و در این صورت بطور حتم روشنایی تالار از بالا و پس از ختم ارتفاع ایوانها تأمین میشده است. چنانکه روشنایی اغلب از تالار کلیساهای بزرگ و معروف اروپائی نیز امروزه اینطور است. یک تالار طویل و مرتفع در وسط و دوتالار کوتاه تر در دوسوی آنهاست که از بالای آنها نور تالار وسط تأمین میگردد، مانند کلیسای معروف سن پل که از کهنترین کلیساهای اروپائی و مربوط بقرن چهارم میلادی میباشد؛ دوتالار که ارتفاع آنها نصف ارتفاع

هنر مردم

ذوق و سلیقه عالی و بداعت فکر سازندگان و هنرمندان زمان میباشد که در عین سادگی نظر بیننده را جلب و بآن زیبایی ویژه ای میبخشیده است.

۴ - ایوانهای تالار: تالار دو ایوان در طرف مشرق و مغرب داشته که بیک وسعت بوده است، از سنگ قرش کف و تعداد ستونهاشان هیچ نمونه ای موجود نبود که مقیاس و اندازمای بدست دهد. ولی از روی فاصله ستونهای دو ایوان شمالی و جنوبی میتوان حدس زد که این دو ایوان هر کدام ۱۶ ستون (۸ × ۲ ردیف) داشته است. ایوان جنوبی ۶۰/۱۰ × ۳۵/۳۲ متر وسعت داشته با ۲۸ ستون (۲ × ۱۴ ردیف). ستونها از سنگ سیاه با پایه ای چهار گوش در دوسطح. قلمه ستونها مدور و صاف و از سنگ سیاه بوده که بر ستونهای از اشکال حیوانات (شیر و گاو و گلهای دوطرفی) مانند سر ستونهای تالار مرکزی منتهی میشده است. قطعه ای از اجزاء این سر ستون پیدا شد.

این ایوان بوسیله دو در، که درگاه سنگی یکی از آنها موجود است، بدو اطاق طرفین مرتبط میشده است. از جرز

سقف تالار وسط است در دوسوی آن ساخته شده و از بالای این دو تالار نور بدرون تالار وسط میتابد و آنرا روشن میسازد. ایوان شمالی بقدر تمام طول تالار و عرض دو ایوان شرقی و غربی یعنی ۵۳ متر درازا داشته که بسوی باغ و آب‌نماهای سنگی باز می‌شده است. این ایوان یک نشیمن سنگی از سنگ سفید به پهنای نیم متر داشته و روی آن یک سنگ سیاه‌گذارده شده بود که فعلاً از زمین رفته ولی نمونه و همانند آن را در ایوان شرقی کاخ اختصاصی کوروش میتوان دید. این ایوان ۴۸ ستون (۲ × ۲۴ ردیف ستون) داشته و از جلو آن آب در آب‌نماهای سنگی در جریان بوده که با درختان باغ منظره زیبایی بوجود می‌آورده است.

برجرز ایوان شرقی سنگ نبشته‌ای در چهار سطر به سه خط میخی‌پارسی، عیلامی، بابلی، باین مضمون «من کوروش شاه هخامنشی» کنده شده است. این نبشته میخی‌پارسی پس از لوحه‌های سیم و زر آریامنا و ارشاما^{۱۴} نیای بزرگ و نیای داریوش تا این تاریخ مقدم‌ترین نبشته پارسی باستان است که درست میباشد. چند تکه شکسته نبشته میخی هم در گوشه و کنار بطور بسیار ناقص دیده شده که نمودار سنگ‌نبشته‌های بیشتری میباشد.

در خلال خاکبرداریهای این کاخ چند دانه آجر پخته نازک و ظریف با اندازه‌های $4/5 \times 32 \times 45$ سانتیمتر پیدا شد که در ساختمان بکار رفته و ملامت آجرها با قیر بوده است. بعد از آجرهای پیدا شده در شوش و خوزستان مربوط بدوران عیلامی‌ها که بعضی آنها خط میخی هم دارد، این نخستین بار است که در یک اثر باستانی دیگر آجر درمتمتها حد ظرافت

و استحکام، پیدا میشود. آجرهای پیدا شده در تخت‌جمشید مکعب مستطیل^{۱۴} و با اندازه‌های $13 \times 32 \times 32$ سانتیمتر میباشد و هیچگاه به ظرافت آجرهای بکار رفته در بناهای پاسارگاد نمیرسد. قیروفت و موم معدنی (مومیائی) از صادرات خوزستان بوده و از ادوار بسیار قدیم از وجود آن بطور ناخالص و تصفیه نشده آگاهی داشته‌اند و در بناهای باستانی جلگه بین‌النهرین هم دیده شده است^{۱۵}. حصیرهای کف املاکهای بناهایی که در تپه علی‌کش حدود دهلران ۱۲۰ کیلومتری اندیشک (که توسط باستانشناسان دانشگاه شیکاگو و رایس آریزونا یافت شد)، بعضی از آنها قیراندود و بهمین مناسبت از حدود شش هفت هزار سال پیش از میلاد باقی مانده در حالیکه هر قسمت که قیر اندود نبوده، پوسیده و از بین رفته است^{۱۵}.

باتوجه به نقش ۱ آ و شکل ستونها و زیرستون میتوان تصور کرد که ساختمان این کاخ بعد از کاخی که در آن نقش انسان بالدار موجود است، صورت گرفته و کاخ اختصاصی کوروش هم بعد از این کاخ بنا گردیده است.

۱۲ - صفحه ۱۱۶ جلد اول تمدن هخامنشی تألیف مؤلف چاپ

سال ۱۳۴۱

۱۳ - صفحه ۸۸ کتاب پایتختهای شاهنشاهان هخامنشی (جلد

سوم تمدن هخامنشی) تألیف مؤلف - نشر به شماره ۹ دانشگاه پهلوی

سال ۱۳۴۸

۱۴ - برای کسب اطلاعات بیشتر از نفت و قیر در ادوار باستانی

به صفحه ۱۵۷ جلد دوم تمدن هخامنشی تألیف مؤلف چاپ سال ۱۳۴۳

مراجعه شود.

۱۵ - صفحه ۱۸۱ جلد دوم تمدن هخامنشی تألیف مؤلف.



پای انسان و بچه حیوانی مربوط به نقش درگاه غربی کاخ بارکورش بزرگ در پاسارگاد